



خانه قدیمی خانواده شریف الحسینی، ۴۰ سال است مرکز آموزش و کار خیر محله دانشجوست

وقف ماندگار برای علم و معرفت

ایجاد مرکزی براساس
روایاتهای مهین خانم



اوایل دهه ۶۰ بود که فضای خانه‌ای در محله صدف با گام‌های مصمم و استوار مهین شریف الحسینی، رنگ و بویی دیگر گرفت. او که همراه خانواده از محدوده جنت راهی این محله شده بود، تصمیم گرفت دل‌تنگی‌هایش را با صفای چهارشنبه‌های امام رضایی گره بزند. جلسات دعا و توسلی که ابتدا ساده و صمیمی آغاز شده بود، کم‌کم بانفس گرم سخنران‌ها و گره‌گشایی از مشکلات خانواده‌ها به پناهگاهی پر مخاطب بدل شد.

مهین خانم با مرور آن روزها نقل می‌کند: در همان روزهای پرمشغله مادری، عزمم را جزم کرده بودم تا چراغ علم و آموختن را نیز روشن نگه دارم. راهی مکتب نرجس شدم و پس از پایان سطح دو در مدرسه علمیه، رؤیایی بزرگ‌تر در سر پروزاندم: راه‌اندازی حوزه‌ای کوچک برای بانوان در دل خانه شخصی‌ام. آقا محسن، همسرش که همراه همیشگی و پایه شراکت در کارهای خیر او بود، اینجا هم با او راهی قم شد تا مجوز این حرکت پربرکت را از آیت‌الله جواد آملی بگیرند. این گونه بود که عشق به اهل بیت (ع) و علم به خانه‌شان گره خورد و بعد از نقل مکان خانواده، آن خانه بزرگ، وقف تربیت مادرانی مؤمن و متعهد شد.

آجر به آجر آن خانه برای اهل خانه مهین خانم با خاطرات شیرین گره خورده است، از روزهایی که حیاط بزرگ خانه با منبر گرم اساتید، چنان پرمی‌شد که جای سوزن انداختن نبود، تا خیریه‌ای پنهانی و محلی که حالا به یکی از مراکز خیریه رسمی و فعال شهر تبدیل شده است. مهد القرآن این مجموعه نیز که او اسط دهه ۶۰ به پیشنهاد مادران طلبه متولد شد، امروز با عنوان مهد الرضا طبقه‌ای مجزا را به خود اختصاص داده و با آمدن ماه مهر، فریادشادی و هیاهوی کودکان طبقات پایینی این خانه را پرمی‌کند.

فاطمه سیرجانی در ابتدای کوچه صدف ۱۷، ساختمانی سنگی با سردر منقش به نام مبارک حضرت زهرا (س) دیده می‌شود که سال‌هاست فراتر از یک فضای مسکونی، نبض معنوی و اجتماعی محله را در دست گرفته است. اینجا بیت الزهراست؛ خانه‌ای که روزگاری با عطر چهارشنبه‌های امام رضایی (ع) و صدای آرام بخش قرآن و محافل تفسیریات وحی، مأمنی برای بانوان پیرو جوان شده بود و امروز به مرکز خیرخواهی تبدیل شده است.

اگر روزگاری کودکان محله دانشجو در حیاط درآندشت و پردرخت این خانه، کنار استخر پرآبش کودکی کردند، امروز همان کودکان در قامت پزشکی متعهد، استادان حوزه و دانشگاه و معلمان دلسوز، بار مسئولیت جامعه و آینده سازان فردای این سرزمین را بر دوش می‌کشند.

بیت الزهرا خیابان صدف در چهارده فعالیت مستمر ثابت کرد که آموزش و تربیت نسل فردا، محدود به کلاس‌های مدرسه نیست؛ بلکه می‌تواند در بستر زندگی و با حضور استادان کاربلد حوزه شکل گیرد.

مهین شریف الحسینی که سکان دار و پایه‌گذار این جریان فرهنگی است، با افتخار از فارغ‌التحصیلانی می‌گوید که مسیر موفقیت را از همین حیاط کوچک و کتابخانه محلی آغاز کردند و تا مدارج عالی دکترا و استادی دانشگاه پیش رفتند.

اما این تنها نیمی از داستان پرمهر این خانه است. در کنج این حیاط، جریانی از خیرخواهی جوشیده که امروز به یک خیریه رسمی و تأثیرگذار بدل شده است. کمک‌های پنهانی که روزگاری، دلی را در همسایگی گرم می‌کرد، حالا به چنان شکوفایی رسیده است که سال گذشته عنوان «بهترین عملکرد» را در میان خیریه‌های مردمی شهر از آن خود کرده است.

خانه ماهی‌های رنگی پرند



«خاطره پررنگ کودکی ما، چهارشنبه‌های ماهی‌گوشتی، یکی از سه دختر مهین خانم که معا او تعریف می‌کند: همه چیز از خانه‌ای پانصد آبی در میانه‌اش. خانه‌ای که چهارشنبه‌ها و نزدیک چنان شلوغ می‌شد که پدرم مجبور راترک کند و من و مادر و دو خواهرم در این فضا برای حضور میهمانان فراهم شود. اما نقطه عطف این روایت، دیدن رؤیایی در پرشده از ماهی‌های کوچک رنگی که پرواز پرواز آن ماهی‌ها را به حضور فرشتگان به او همین تعبیر کافی بود تا دل اهل خانه از تعلل و اوقاف صاحب نامش، حضرت زهرا (س) بکنند. فردای اسباب‌کشی در سال ۶۲ به محله فرهنگی آموزشی تغییر کاربری داد. تقاضا حوزوی و استفاده از کتابخانه آن قدر زیاد بود که خود مهندسی عمران خوانده است و از خودش عهده‌دار شد، از شش سال پرمجرا راه ساخت و ساز در جریان بود، اما شور کلاس استیجاری مسجد عمار محله دانش آموز حالا آن خانه پانصد متری با حیاط مصفا و است؛ بنایی استوار که سال‌هاست آرزوی قله الهه از وقف داروندار پدر و مادرش در این احداث این خانه شد: «پدرم، بازاری است فعالیت خانه‌ای که به نام حضرت زهرا (س) کردند. شاید همین نیت خالصانه یکی از خدمتگزاران این خانه بدون هیچ چشمه این خانه قدم برمی‌دارند.

